بدون مرز

سگ رکورددار

گروه حوادث: یک سگ نژاد آلمانی، ۱۷ توله به دنیا آورد و نامش به همراه توله‌هایش در کتاب رکوردهای گینس به ثبت رسید. به گزارش آسوشیتدپرس «رامونا وگمن» صاحب ۳۲ساله این سگ عنوان کرد: این واقعاً باورکردنی نبود که سگم ۱۷ توله به دنیا آورد. این زن جوان گفت: «اتانا» هشت توله ماده و ۹ توله نر به دنیا آورد، اما به دلیل اینکه تعداد آنها زیاد است، قادر نیست به تمام توله‌هایش غذا دهد و توله سگ‌ها با شیر کمکی تغذیه می‌شوند. «وگمن» ۳۲ساله در ادامه عنوان کرد تولد این ۱۷ توله ۲۶ ساعت به طول انجامید. همچنین برای هر توله مبلغ ۸۰۰ یورو، معادل یک‌هزار و ۵۰ دلار در نظر گرفته شده است.

خبر

درخواست طلاق از ترس فلج شدن همسر

گروه حوادث: مردی به خاطر آنکه همسرش بیمار است و احتمال دارد فلج شود به دادگاه خانواده رفت تا او را طلاق دهد. به گزارش خبرنگار ما، این مرد ۳۲ساله که عباس نام دارد و هفت سال از شروع زندگی مشترکش با همسرش می‌گذرد، صبح دیروز به مجتمع قضایی خانواده شهید محلاتی رفت تا به زندگی مشترکش پایان دهد. این مرد هنگامی که در برابر قاضی شعبه ۲۵۴ قرار گرفت، گفت: هفت سال قبل من و آزاده با یکدیگر آشنا شدیم و مدت کوتاهی بعد از آشنایی‌مان به خواستگاری او رفتم. آزاده دختر سالمی بود و آن زمان حتی ورزش نیز می‌کرد اما هر چه از زندگی مشترک‌مان گذشت وضعیت جسمانی او بدتر شد. وقتی به پزشک مراجعه کردیم مشخص شد آزاده به دلیل بیماری عصبی دچار ضعف بدنی شده است. چند سال تلاش کردم و او را نزد پزشکان مختلفی بردم. اوایل امید زیادی برای بهبود همسرم داشتم اما آخرین پزشکی که همسرم را معاینه کرد آب پاکی را روی دستم ریخت و گفت او به بیماری خاصی دچار شده و هر روز بدنش ضعیف‌تر از قبل می‌شود و ممکن است به زودی فلج شود و توانایی حرکت کردن را نیز نداشته باشد. وقتی مطمئن شدم آزاده دیگر سالم نمی‌شود تصمیم گرفتم از او جدا شوم. هفت سال را با سختی گذراندم و هرکاری از دستم بر می‌آمد برایش انجام دادم اما دیگر نمی‌توانم به این شرایط ادامه دهم. تصمیم دارم هر طور شده آزاده را طلاق دهم و زندگی تازه‌ای را شروع کنم. وقتی با او در این باره صحبت کردم فهمیدم او نیز به این کار راضی است. او می‌داند جدایی برای هر دو ما بهتر است. این مرد ادامه داد: در این مدت ما هیچ مشکلی با یکدیگر نداشتیم و عاشقانه یکدیگر را دوست داشتیم اما بیماری همسرم همه چیز را به هم زد. به دنبال اظهارات این مرد قاضی، رسیدگی به این پرونده را به وقت دیگری موکول کرد.

زن شاغل و شوهر خانه‌دار در دادگاه خانواده

گروه حوادث: زنی به خاطر آنکه شوهرش سر کار نمی‌رود و او را وادار به کار کردن کرده است به دادگاه خانواده رفت تا از شوهر بی‌مسوولیت‌اش طلاق بگیرد.

به گزارش خبرنگار ما، این زن ۳۱ساله به نام شهلا این خواسته‌اش را صبح روز گذشته به قاضی شعبه ۲۵۴ مجتمع قضایی خانواده شهید محلاتی تقدیم کرد. او درباره علت این درخواست‌اش به قاضی گفت: همسرم مرد بی‌مسوولیتی است و سر کار نمی‌رود. او می‌گوید دوست دارد در خانه از بچه‌ها نگهداری کند و من به جای او سر کار بروم. این زن ادامه داد: زمانی که با شوهرم ازدواج کردم فکر می‌کردم او مرد مسوولیت‌پذیری است و می‌توانم زندگی خوبی با او داشته باشم. اوایل همه چیز به خوبی پیش می‌رفت. شوهرم کار می‌کرد و من هم کارهای خانه را انجام می‌دادم. مدتی گذشت تا اینکه صاحب یک فرزند شدیم. مدتی بعد از آن به خاطر آنکه هزینه‌های زندگی‌مان زیاد شده بود من هم سر کار رفتم تا به شوهرم کمک کنم اما او از این موضوع سوءاستفاده کرد. در حالی که مدتی از شاغل شدن من می‌گذشت یک روز شوهرم گفت دیگر قصد ندارد کار کند و دوست دارد در خانه از فرزندمان نگهداری کند. سر کار رفتن من باعث شد او فکر کند جایمان با یکدیگر عوض شده است. او مدتی است سر کار نمی‌رود و با این کارش من را آزار می‌دهد. می‌خواهم از شوهرم جدا شوم چرا که این رفتار او توهین‌آمیز و بیکاری‌اش غیرقابل تحمل است. این زن در ادامه گفت: وقتی همسرم فهمید من حقوق مناسبی دریافت می‌کنم از کار کردن منصرف شد و دیگر سر کار نرفت. از بیکاری و رفتار زنانه شوهرم بسیار عذاب می‌کشم و حاضر به ادامه زندگی با او نیستم. یک مرتبه تصمیم گرفتم از کارم استعفا کنم، اما شوهرم من را تهدید کرد و از این کار منصرف شدم. ابتدا قصد جدایی نداشتم ولی حالا به هیچ چیز جز جدایی فکر نمی‌کنم. در پایان این جلسه رسیدگی به این پرونده به وقت دیگری موکول شد.

قتل عروس برای غافلگیر کردن مهمانان

گروه حوادث: یک مرد برزیلی ۲۹ساله برای شگفت‌زده کردن مهمانان جشن عروسی‌اش همسر خود و یکی از همراهانش را کشت. به گزارش آسوشیتدپرس، «روجریو داماسنا» این جنایت را روز دوشنبه در مراسم جشن ازدواجش با استفاده از اسلحه انجام داد. داماد که ۲۵ سال داشت با شلیک سه گلوله به قلب، سر و پای همسرش جان خود را از دست داد و قربانی دیگر هم که یکی از مدعوین بود، به واسطه شلیک دو گلوله از پا درآمد. در این حادثه برادر عروس هم در پی شلیک گلوله مجروح شد که البته در وضعیت مساعدی قرار دارد. داماد که مدیر فروش یک شرکت در برزیل است، در بازجویی‌هایش اعلام کرد فقط برای سورپرایز کردن مهمان‌ها اقدام به شلیک و قتل عروس و یکی از مهمانان کرده و انگیزه دیگری نداشته است. تحقیقات پلیس نشان داد داماد اسلحه را در صندوق عقب خودرو پدرش مخفی کرده بود.

زن میانسال خودش را به پلیس معرفی کرد

۱۵ سال تاخیر در اعتراف به قتل پدر

گروه حوادث: دختری که ۱۵ سال قبل پدرش را به قتل رسانده بود سرانجام بعد از گذشت این مدت به خاطر عذاب وجدان تصمیم گرفت به جرمش اقرار و اسرار قتل پدر را فاش کند.

به گزارش خبرنگار ما این پرونده از سومین روز آبان سال ۷۴ تشکیل شد و از آن زمان تاکنون بی‌نتیجه باقی مانده بود تا اینکه چند روز قبل زنی ۴۵ ساله به نام شیرین به کلانتری فلسطین رفت و اقرار کرد ۱۵ سال قبل پدرش را به خاطر اختلافات شدید خانوادگی کشته است. آن زمان گزارش قتل مرد ۷۴ساله که سهراب نام داشت توسط یک زن به کلانتری ستارخان اعلام شد. او که پرستار خانگی سهراب بود روز حادثه وقتی به منزل صاحبکارش رفت با جنازه وی روبه‌رو شد و سپس ماموران پلیس با کمک متخصصان پزشکی قانونی دریافتند این پیرمرد خفه شده است. با آغاز تحقیقات پیرامون این جنایت یکی از دختران مقتول به نام شهلا، یکی از برادرانش را به عنوان مظنون معرفی کرد و گفت شهاب از مدت‌ها پیش با پدرشان اختلاف داشته است. به این ترتیب شهاب بازداشت شد اما او اتهام قتل را نپذیرفت و مدرکی نیز علیه‌اش به دست نیامد. با رفع اتهام از شهاب کارآگاهان دور تازه‌ای از تحقیقات را شروع کردند و فهمیدند مقتول با فرزندان و همسر خود به شدت اختلاف داشته است. نتیجه تفحص‌های صورت‌گرفته گویای آن بود که سهراب دو دختر و سه پسر دارد و در سال ۱۳۵۱ به همراه اعضای خانواده‌اش به بیروت و سپس از آنجا به پاریس مهاجرت کرده اما به خاطر اختلافات شدیدی که با همسرش داشته ترجیح داده به ایران بازگردد و جدا از وی زندگی کند.

اختلافات این زوج به حدی بود که بر ارتباط فرزندان‌شان با آنها نیز تاثیر منفی گذاشته بود؛ به گونه‌ای که پنج فرزند جدا از والدین‌شان زندگی می‌کردند. اگرچه آن زمان اطلاعات زیادی درباره روابط خانوادگی سهراب به دست آمد اما راز قتل او سر به مهر ماند تا اینکه چند روز قبل شیرین در برابر افسر نگهبان کلانتری فلسطین به قتل اقرار کرد و سپس به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی در اختیار کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی قرار گرفت تا بازجویی‌های تکمیلی از وی انجام شود.

متهم در اعترافاتش گفت: «در سن شش‌سالگی به همراه خانواده‌ام به بیروت مهاجرت کردیم و تا آغاز جنگ‌های داخلی لبنان در آن کشور بودیم. بعد از آن، حدود دو سال در تهران ماندیم و سپس به پاریس رفتیم. بین مادر و پدرم درگیری‌های

اساسی وجود داشت و این کشمکش‌ها در پاریس به اوج خود رسید. در آنجا پدر و مادرم بدون آنکه به صورت رسمی طلاق بگیرند، از یکدیگر جدا شدند. سپس من، خواهر و برادر بزرگ‌ترم به نام «شهاب» به علت مزاحمت‌های پدر به لبنان سفر کردیم ولی پدر به دنبال ما آمد و به همراه عده‌ای مرا به زور از هتل ناپلئون به فرودگاه برد و نزد عده‌ای از بستگانش در بحرین فرستاد. بعد از این ماجرا شهاب به دنبالم آمد و ۴۰ روز بعد با هم به تهران برگشتیم. ما حدود دو سال در منزل مادرم در یک اتاق مجزا زندگی می‌کردیم و در این مدت روابط سردی با او داشتیم. پس از آن شهاب برای کار به قم رفت و من و خواهرم هم به آپارتمانی در خیابان قائم‌مقام فراهانی نقل‌مکان کردیم و دیگر از مادر و برادر دیگرم شهرام خبری نداشتم. خواهرم به علت اینکه چند بار تصادف کرده دچار بیماری اعصاب شده بود اما با تلاش‌های شهاب معالجه شد و نهایتاً من و خواهرم به دانشگاه رفتیم. در این مدت پدرم چند بار سراغ ما آمد و می‌خواست مرا نزد خودش ببرد. در سال ۷۱ برای آنکه دست پدرم به من نرسد به قم رفتم اما با تمام این تلاش‌ها پدرم یک سال بعد بار دیگر مرا پیدا کرد. او با کمک آشنایان خود شرکت برادرم را تعطیل کرد و باعث شد ما نیز دیگر به دانشگاه نرویم. پدرم به تنهایی زندگی می‌کرد و با افراد مختلفی رفت و آمد داشت. به هر حال من به ناچار به خانه پدرم رفتم اما یک ماه بعد آنجا را ترک کردم و تا زمان قتل او را ندیدم. ما حدود ۲۰ ماه در خیابان زندگی می‌کردیم تا اینکه در سال ۷۳ به ترکیه رفتیم تا از مزاحمت‌های پدرم راحت شویم اما با دزدیده شدن اوراق شناسایی مجبور شدیم مجدداً به ایران بازگردیم. بارها پدرم افراد اوباش را به دنبال ما می‌فرستاد تا برایمان مزاحمت ایجاد کنند. وقتی دیدم این مسائل پایانی ندارد در حالی که از زندگی در خیابان خسته شده بودم تصمیم گرفتم پدرم را بکشم.»

متهم در اعترافات خود به کارآگاهان گفت: «زمانی که تصمیم گرفتم پدرم را به قتل برسانم یک چاقو خریدم و منتظر زمانی ماندم که بتوانم نقشه خودم را عملی کنم. یک بار همراه شهاب به مقابل خانه پدرم رفتم و منتظر او ماندم. برادرم علت این کار را پرسید و من به او گفتم که می‌خواهم با او حرف بزنم. به این دلیل دروغ گفتم که برادرم نمی‌گذاشت پدرم را بکشم یا به او صدمه‌ای وارد کنم. نمی‌دانستم پدرم مریض و خانه‌نشین شده است. آن ساعت چند ساعت جلوی در خانه نشستم اما او را ندیدم. چند روز بعد مجدداً با برادرم به در منزل پدرم رفتیم و از شهاب خواستم تا زمان بیرون آمدنم در خیابان منتظر بماند. او نیز قبول کرد. با کلید خانه پدر که آن را از کیف خواهرم برداشته بودم در را باز کردم و داخل رفتم. ناگهان دیدم دختر جوانی در خانه است. پدرم چشمانش را عمل کرده بود و جایی را نمی‌دید و آن دختر پرستارش بود. من خودم را معرفی کردم و پس از آن از پرستار خواستم برایم چیزی بخرد. چند دقیقه‌ای از بیرون رفتن پرستار نگذشته بود که برادرم وارد خانه شد و برای اینکه اتفاقی نیفتد دست مرا گرفت و به زور از خانه بیرون برد. چند روز بعد، هنگام غروب بدون آنکه برادرم متوجه موضوع شود به سراغ پدرم رفتم. دیدم قفل در را عوض کرده برای همین زنگ زدم و پرستار در را باز کرد. بعد از حدود نیم ساعت از آمدن من، پرستار از خانه خارج شد. پدرم به برادرم بسیار توهین کرد و این در حالی بود که من علاقه بسیار شدیدی به شهاب داشتم و اجازه نمی‌دادم کسی به او کوچک‌ترین توهینی کند. با این وجود هیچ پاسخی به توهین‌های او ندادم تا او گمان کند که من شهاب را رها کرده‌ام. شب هنگام دو مرد به خانه پدرم آمدند و در رابطه با مسائل تجاری با او صحبت کردند. بعد از خروج آنها من به بهانه کوتاه کردن ریش‌های پدرم پارچه‌ای به دور گردنش بستم و کیفم را که چاقو در آن بود در زیر صندلی گذاشتم. سپس چاقو را برداشتم. با دست چپ دهانش را گرفتم و با دست راست چاقو را روی گلویش گذاشتم اما چاقو تیز نبود. او با وحشت بلند شد و با هم درگیر شدیم. با وجود آنکه نمی‌توانست مرا ببیند اما سعی می‌کرد با دست‌هایش مرا از خود دور کند. چند ضربه حدوداً هشت الی ۹ ضربه با چاقو به شکمش زدم اما چون چاقو کند بود فقط خراش ایجاد می‌کرد. سرانجام او را روی زمین انداختم و پارچه‌ای را روی دهان و بینی‌اش گذاشتم. هر چه زور داشتم به کار بردم و فشار دادم تا خفه شود. بعد هم مطمئن شدم او فوت شده است.»

متهم درباره اینکه چرا بعد از ۱۵ سال تصمیم گرفت خودش را معرفی کند، توضیح داد: «تا زمانی که برادرم زنده بود می‌ترسیدم بار دیگر پای او به این داستان کشیده شود. انگیزه‌ام از قتل نیز رفع مزاحمت‌های پدرم بود تا بتوانم حداقل زیر یک سقف زندگی کنم. پدرم زندگی را برای ما به یک بن‌بست تبدیل کرد و فشارهای روحی و جسمی بسیاری بر ما وارد کرد. بعضاً چند اوباش به سرم می‌ریختند و کتکم می‌زدند یا تهدید می‌کردند که صورتم را متلاشی خواهند کرد. دو سال قبل از قتل پدرم، مادرم به خاطر ابتلا به دیابت فوت شده بود. بعد از مرگ پدرم هم من از بقیه خانواده به جز شهاب بی‌خبر بودم تا او هم فوت شد و بالاخره تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم.» بنابر این گزارش در حال حاضر تحقیقات از متهم ادامه دارد.

۷ کشته و بیش از ۳۰ زخمی در آستانه سالروز زلزله بم

آخرین گزارش‌ها از مناطق زلزله‌زده استان کرمان

گروه حوادث: هفت کشته، بیش از ۳۰ زخمی، خانه‌های آوارشده و روستاهای نیمه‌ویران حاصل لرزش ۶/۵ ریشتری زمین در استان کرمان در آستانه سالروز زلزله بم است. این زلزله ساعت ۲۲ و ۱۲ دقیقه سه‌شنبه به وقوع پیوست و به حدود ۵۰ روستا خسارات فراوانی وارد کرد به گونه‌ای که جواد کمالی معاون سیاسی امنیتی استاندار کرمان می‌گوید: «خسارت مادی این زلزله بسیار زیاد است.» آن‌طور که دکتر «مهدی زارع» معاون پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله توضیح داده کانون این زلزله که گسله نهبندان را فعال کرد در حوالی حسین‌آباد فهرج کرمان بود و مختصات جغرافیایی آن عرض شمالی ۲۸/۴۶ و طول شرقی ۵۹/۱۴ درجه بود. زلزله‌ای با این قدرت می‌توانست فاجعه‌ای بسیار عظیم‌تر به بار بیاورد اما بنا بر آخرین اخبار تاکنون فقط هفت تن در این حادثه جان باخته‌اند. زارع تاکید می‌کند: «شدت زلزله به حدی بود که در استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و خراسان جنوبی هم احساس شد البته خوشبختانه در نزدیکی کانون زمین‌لرزه شهری وجود ندارد.» وجود ۱۸ گسل خطرناک در استان کرمان این منطقه را روی خط فاجعه قرار داده به گونه‌ای که یک‌سوم تلفات زلزله‌های ۱۰۰ سال گذشته ایران مربوط به این استان است. معاون سیاسی و امنیتی استانداری کرمان این استان را از بحران‌خیزترین استان‌های کشور از نظر زلزله‌خیزی می‌داند و یادآوری می‌کند: «در چند سال اخیر استان کرمان ۲۲ زلزله سنگین را پشت سر گذاشته است.»

پس از لرزش شبانه زمین بیمارستان‌ها، نیروی انتظامی، ستاد مدیریت بحران، ستاد حوادث غیرمترقبه و هلال احمر به حالت آماده‌باش درآمدند. مهندس «صالحی» رئیس ستاد حوادث غیرمترقبه استانداری کرمان می‌گوید: «در نخستین ساعات پس از وقوع حادثه در «حسین‌آباد» فهرج، تیمی به سرپرستی معاونت عمرانی استانداری و با حضور جمعی از مسوولان مربوطه به مناطق زلزله‌زده اعزام شد. استان‌های همجوار نیز برای کمک اعلام آمادگی کردند که البته با حضور گسترده امدادگران در منطقه و عملیات نجات و آواربرداری نیازی به امداد سایر استان‌ها نبود.»

در همان ساعت اولیه وقوع حادثه ۱۵تیم امداد و نجات متشکل از ۲۳۰ امدادگر برای یاری رساندن به حادثه‌دیدگان دست به کار شدند. بزرگ‌ترین مشکل آنان پراکندگی و تعداد زیاد روستاهایی بود که در کانون حادثه قرار داشت. برآوردهای اولیه حاکی از آن بود که شهرستان کوهستانی ریگان در شرق استان کرمان بیشتر از بقیه خسارت دیده و ۸۰ هزار سکنه این منطقه در معرض خطر جدی‌تری قرار دارند.

معاون سیاسی و امنیتی استانداری کرمان خاطرنشان می‌کند: «بیشترین روستای خسارت‌دیده و اوج زلزله، روستای سیف‌الدین است که در ارتفاعات جنوب شهرستان ریگان قرار دارد و بیشتر ساکنان آن عشایر هستند.» «محمد برزنگ» فرماندار شهرستان ریگان نیز می‌گوید: «مرکز زلزله در روستای «چاه‌قنبر» بود و کانون اصلی زلزله ۲۰ روستا را شامل می‌شود و ۵۰ روستا و آبادی در اطراف این کانون قرار دارند.»

او اضافه می‌کند: «زلزله باعث تخریب ۲۰ تا ۱۰۰ درصدی ۲۰ روستای شهرستان ریگان شد و شبکه‌های آب و برق در شش روستای «شمس‌آباد»، «گیر»، «چاه‌قنبر»، «پیرکهن»، «کشنل» و «گل‌گران ریگ» قطع شد.» امدادگران وقتی گروه‌گروه به روستاهای ریگان رسیدند نخستین کاری که در دستور قرار دادند جست‌وجو در میان آوار و تلاش برای بیرون کشیدن مدفون‌شدگان بود. این عملیات به کشف اجساد هفت نفر در مناطق مختلف انجامید. درباره تعداد مجروحان نیز تاکنون آمار دقیقی اعلام نشده اما دکتر امین صابری سرپرست مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان کرمان می‌گوید: با استفاده از امکانات درمانی موجود در استان کرمان، مصدومان زلزله تحت پوشش کامل قرار گرفتند. هرچند شدت زلزله بالا بود اما سطح ضایعه زیاد نبود و توانستیم با امکانات موجود استان، مصدومان این حادثه را تحت پوشش قرار دهیم.» دکتر حسن امامی‌رضوی معاون درمان وزیر بهداشت نیز این گفته را تایید می‌کند و می‌افزاید: «امکانات استان کرمان پاسخگوی نیاز مصدومان این حادثه است و نیازی به اعزام نیرو و تجهیزات درمانی از تهران نیست.» شامگاه سه‌شنبه در شرایطی که برخی روستاییان مغموم و مضطرب شاهد برپا شدن چادرهای امداد و در صف پتو و دیگر اقلام مورد نیازشان بودند، گروهی از امدادگران برای رسیدن به مناطق دیگر حادثه‌دیده با مشکلات متعددی مواجه شدند که بزرگ‌ترین آن مسدود شدن راه‌ها بود به گونه‌ای که صبح دیروز امدادگران هنوز به ۳۰ روستا نرسیده بودند. جواد کمالی در این باره می‌گوید: «مناطق کوهستانی واقع در شهرستان‌های فهرج و ریگان از توابع شهرستان بم مرکز ثقل زلزله محسوب می‌شوند اما به دلیل مسدود شدن راه‌ها و ریزش کوه‌ها و از سوی دیگر سایه‌شب امکان پرواز بالگردها فراهم نبود، البته از صبح دیروز بازگشایی جاده‌ها و رفتن اکیپ‌های امداد و نجات و کارشناسان به وسیله پرواز دو بالگرد نیروی انتظامی و هلال‌احمر آغاز شد.» البته جست‌وجو در این ۳۰ روستا تا ساعت ۱۵ دیروز به پایان رسید.

در چنین اوضاعی یکی از خطراتی که حادثه‌دیدگان را تهدید می‌کند، معمولاً بحث امنیت است اما آن طور که سردار «حسین چناریان» فرمانده انتظامی استان کرمان می‌گوید از این نظر نیز در مناطق خسارت‌دیده مشکلی وجود ندارد: «با وجود خاص بودن وضعیت برخی از مناطق زلزله‌زده، هیچ مشکل امنیتی وجود ندارد و نیروهای انتظامی در تمامی بخش‌ها حضور دارند و تاکنون هیچ حرکت غیرعادی، سرقت و مشکل امنیتی در این مناطق مشاهده نشده است.»

اگرچه تلفات زلزله ۶/۵ ریشتری زیاد نبود، پس‌لرزه‌هایی که یکی پس از دیگری مناطق حادثه‌دیده را می‌لرزاند کرمانیان را به وحشت انداخته است. تا ظهر دیروز ۳۸ پس‌لرزه در کرمان به وقوع پیوست که دو مورد آن قدرتی بالای پنج ریشتر داشت. این لرزش‌ها در حالی به وقوع پیوسته که پنج روز دیگر سالروز زلزله مرگبار بم است. بامداد پنجم دی سال ۱۳۸۲ زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۶/۶ ریشتر در شهرستان «بم» در استان کرمان روی داد که باعث مرگ هزاران نفر از هموطنان‌مان شد. بنا بر آخرین گزارش‌ها امدادرسانی به زلزله‌زدگان به پایان رسیده و اوضاع اکنون به طور کامل تحت کنترل است.

بازداشت عامل انتشار عکس نامناسب از ۲۰ دختر در فیس‌بوک

جوانی که متهم است عکس‌های نامناسب ۲۰ دختر جوان را در یک سایت اینترنتی منتشر کرده است، از سوی دادیار ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای تحت بازجویی قرار گرفت. به گزارش ایسنا مدتی قبل با ردگیری دختری جوان که عکس وی در اینترنت منتشر شده بود، ماموران به عکس‌های بیشتری از وی در صفحه فیس‌بوک جوانی ۲۵ساله به نام شهرام دست یافتند و به دستور «عبدالرضا طرزی» دادیار شعبه سوم دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای به بررسی موضوع پرداختند و متوجه شدند عکس‌هایی از ۲۰ دختر جوان در وضعیت‌های نامناسب در این صفحه منتشر شده است. با احضار متهم به دادسرا و آغاز تحقیق از وی مشخص شد این شخص آتلیه‌ای غیرمجاز در منزل خود تاسیس کرده و از دخترهای جوان در وضعیت‌های نامناسب و نیمه‌برهنه عکسبرداری می‌کرده است. شهرام با اعتراف به اتهامش مدعی شد این دختران با اختیار خود به آتلیه وی آمده و عکس انداخته‌اند اما او یک نسخه از عکس این افراد را در صفحه فیس‌بوک خود منتشر کرده است. دادیار ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای با بیان اینکه برای متهم قرار قانونی صادر شده است، گفت: متاسفانه برخی اشخاص و به ویژه دختران جوان به مراکز غیرمجاز برای تهیه عکس مراجعه می‌کنند و بدون آنکه تبعات آن را در نظر بگیرند، در وضعیت‌های نامناسب عکس می‌گیرند. وی افزود: در حال حاضر تحقیق از متهم برای کشف زوایای پنهان اقدامات وی ادامه دارد.

درگیری در قهوه‌خانه به قتل منجر شد

گروه حوادث: مرد سابقه‌داری که پس از استفاده از مواد مخدر در یک قهوه‌خانه، کنترل خود را از دست داده و فردی را به قتل رسانده بود، یک روز پس از جنایت، تسلیم قانون شد. ماموران پلیس آگاهی رباط‌کریم، در پی دریافت گزارشی مبنی بر قتل شخصی ۲۹ساله به نام «مهدی الف.» که با ضربه چاقو، در یکی از قهوه‌خانه‌های شهر گلستان به قتل رسیده بود، به تحقیق در این باره پرداختند و در بررسی‌های اولیه مشخص شد فردی به نام «آرش» که از افراد سابقه‌دار منطقه است، پس از جر و بحث و درگیری با مقتول در قهوه‌خانه، با چاقویی که به همراه داشته ضربه‌ای به گلوی او زده و پس از اینکه فهمیده «مهدی» جان باخته است از محل متواری شده است. به این ترتیب کارآگاهان برای یافتن مخفیگاه متهم و دستگیری وی به جست‌وجو پرداختند تا اینکه یک روز پس از وقوع جنایت «آرش» وقتی متوجه شد پلیس در یک قدمی اوست با حضور در پلیس اطلاعات و امنیت عمومی شهرستان رباط‌کریم، خود را تسلیم کرد. متهم در اعترافاتش گفت: «به خاطر اختلافات قبلی که با مهدی داشتم روز حادثه با او درگیر شدم و در حالی که قبل از دعوا مواد مصرف کرده بودم با از دست دادن کنترل خودم، وی را به قتل رساندم و اکنون از این عمل خودم پشیمان هستم.» بنابر این گزارش اکنون تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

حادثه‌ها

هفت مسافر یک اتوبوس در آتش سوختند

معاون عملیات پلیس‌راه کشور با اشاره به وقوع آتش‌سوزی در اتوبوس مسافربری در اسدآباد همدان گفت: تیمی از کارشناسان پلیس راهور ناجا برای بررسی موضوع به محل اعزام شده‌اند. سرهنگ پرویز سیاح البرزی در گفت‌وگو با ایسنا درباره آتش‌سوزی اتوبوس اسکانیا در گردنه اسدآباد در استان همدان گفت: در ساعت پنج صبح دیروز اتوبوس تعاونی ۱۱ ایران‌پیما ترمینال غرب با ۳۳ مسافر در گردنه اسدآباد در حال تردد از سربالایی بود که به علت نامعلومی دچار حریق شد. وی افزود: در این حادثه هفت نفر از سرنشینان در آتش سوختند و هفت تن دیگر نیز مجروح شدند. البرزی افزود: آتش‌نشانان در حال بررسی علت آتش‌سوزی اتوبوس هستند و تیمی از کارشناسان پلیس راهور ناجا نیز برای بررسی موضوع به محل اعزام شده‌اند.

اعدام، سرانجام قتل همکار

گروه حوادث: کارگر یک قهوه‌خانه که در جریان درگیری با همکارش، او را به قتل رسانده بود با تایید قضات دیوان عالی کشور پای چوبه دار می‌رود. شامگاه ۱۰ مهر سال ۷۶، ماموران کلانتری تجریش از طریق مسوولان بیمارستان شهدای تجریش، از مرگ مشکوک یک مرد در این بیمارستان باخبر شدند و فهمیدند متوفی بر اثر اصابت ضربات متعدد چاقو به شکمش جان باخته است. تحقیقات ماموران پلیس نشان داد متهم و مقتول که از کارگران یک چایخانه در پارک قیطریه بودند در محل کار خود با هم درگیر شدند و در این درگیری غلام جان باخت. تلاش‌های پلیس در آن زمان برای دستگیری متهم فایده‌ای نداشت تا اینکه وی در سال ۸۳ بازداشت شد و به جرمش اقرار کرد. متهم سرانجام در دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد که این رای دیروز به تایید قضات شعبه ۶ دیوان عالی کشور رسید.

کشف ۱۳۴ بسته مواد از معده یک جسد

مدیرکل حفاظت و اطلاعات سازمان پزشکی قانونی کشور از کشف ۱۳۴ بسته مواد مخدر با وزن تقریبی یک کیلوگرم در داخل معده جسد یک مرد خبر داد.

به گزارش روابط عمومی پزشکی قانونی، محمود مباشری با بیان این مطلب افزود: هفته گذشته به دنبال کشف جسد مردی ۳۵ساله در سرویس بهداشتی اتوبان تهران- زنجان، ۱۳۴ بسته مواد مخدر با وزن تقریبی یک کیلوگرم از داخل معده این فرد کشف و به مقامات قضایی تحویل شد. وی افزود: برابر گزارش‌های پزشکی قانونی استان قزوین هرچند در معاینه اولیه جسد در صحنه جرم عوارض ناشی از سوءمصرف مواد مخدر علت مرگ فرد تعیین شد، اما برای بررسی بیشتر جسد به پزشکی قانونی قزوین انتقال یافت تا نسبت به کالبدشکافی و تعیین علت دقیق مرگ اقدام شود. مباشری خاطرنشان کرد: پس از کالبدشکافی، از امعا و احشای این جسد، ۱۳۴ بسته مواد مخدر به شکل لوله‌ای، استوانه‌ای و به وزن تقریبی یک کیلوگرم کشف و با هماهنگی دادستان مرکز استان قزوین به مراجع ذی‌صلاح تحویل شد.

ثروت بادآورده سارق راز سرقت‌هایش را برملا کرد

گروه حوادث: شک پلیس به ثروت هنگفت یک سارق سابقه‌دار باعث افشای جرائم تازه او و همدستش شد. ماموران پلیس ورامین در پی دریافت گزارشی مبنی بر دستبرد به یک خانه و سرقت ۱۵ میلیون تومان وجه نقد، جواهراتی به ارزش ۱۵ میلیون تومان و چندین سند ملک و زمین و چک به ارزش ۲۰ میلیون تومان برای دستگیری سارق یا سارقان به تکاپو افتادند و متوجه شدند دزدان اواخر شب با بالا رفتن از دیوار وارد پشت بام شده و از آنجا به طبقه دوم ساختمان رفته و با شکستن قفل وارد منزل شده‌اند. کارآگاهان با توجه به وقوع چند فقره سرقت به همین شیوه در چند نقطه از شهر قرچک، سارقان سابقه‌دار آن منطقه را تحت کنترل نامحسوس قرار دادند تا اینکه به شخصی به نام «حامد» که از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار بود و به تازگی به ثروت هنگفتی دست پیدا کرده بود، مشکوک شدند و وی را دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها اعتراف کرد با همدستی فردی به نام «شاهین» سرقت‌ها را انجام داده است، بنابراین شاهین نیز طی عملیات پلیسی دستگیر شد و به ۲۰ فقره سرقت منزل و مغازه در سطح شهرستان اعتراف کرد.

کلاهبرداری به بهانه اعزام کاروان زیارتی

گروه حوادث: اعزام کاروان‌های زیارتی ترفندی بود که یک مرد شیاد برای کلاهبرداری از مردم از آن استفاده می‌کرد. سرهنگ مجید زمانی فرمانده انتظامی شهرستان لردگان چهارمحال و بختیاری در این باره گفت: ماموران در پی تماس مردمی مبنی بر اینکه شخصی بدون مجوز، شرکت اعزام کاروان‌های زیارتی تاسیس کرده است و از این طریق اقدام به کلاهبرداری می‌کند، به بررسی موضوع پرداختند. وی افزود: در تحقیقات به عمل آمده مشخص شد فرد مورد نظر با طراحی فرم‌های تبلیغاتی و جعل مدارک شرکتی و مجوز اشتغال، این شرکت را تاسیس و از این طریق مبالغی را به عنوان هزینه اعزام به عتبات عالیات از شهروندان اخذ کرده است. سرهنگ زمانی اظهار داشت: در ادامه تحقیقات این حقیقت روشن شد که متهم با این شگرد توانسته ۳۷ نفر از مردم شهرستان را اغفال و از هر یک از آنان مبلغ ۱۷ میلیون و ۳۰۰ هزار ریال کلاهبرداری و اخاذی کند. فرمانده انتظامی شهرستان لردگان گفت: با هماهنگی‌های به عمل آمده، متهم در محل کار خود حین ارتکاب جرم دستگیر شد و به جرمش اقرار کرد.